

روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت
احمد شاملو

حوالی ظهري به دنبال خانه‌ای بودم که با تصوراتم از خانه‌ی یک کبوترباز^۱ هم‌خوانی داشته باشد؛ ایماژی از خانه‌ای قدیمی با حیاط و پشت بامی که کبوترداری و کبوتربازی را میسر سازد. چند ماهی بود که بیش از پیش به آسمان توجه داشتم، نه به واسطه‌ی ابری بودن یا نبودن و یا صدای مهیب هواپیما و یا حتی آلودگی هوا، بلکه برای اینکه بتوانم در وضعیت انضباط زدگی روزمره‌ام شانس تماشای کبوترهای نشانه‌گذاری‌شده‌ی رنگی را داشته باشم. این شغف ایجاد شده مرا به این خانه کشاند تا بالاخره بعد از یک پیاده‌روی طولانی با آن مواجه شوم.

بر خلاف تصورم خانه آپارتمانی ۵ طبقه، وسط یک کوچه فرعی بود. امیر ۵۶ ساله با گشاده‌رویی من را به سمت پشت بام هدایت کرد. در این بین از او سوال کردم کبوترداری و کبوتربازی در آپارتمان ممکن است؟ او توضیح داد ده سال پیش، یعنی در ۶ دی ۸۴ بعد از فوت پدرش آنجا را ساخته و عمده‌ی واحدهایش در تملک اوست. ضمن اینکه به رسم رعایت اخلاق و عدم مزاحمت با تمامی مستاجران مسئله را در میان گذاشته‌است.

در پشت بام با گنجه‌هایی مربع مربع با انبوهی از کبوترها روبرو شدم که به دو دسته‌ی «شرقی و غربی» تقسیم شده بودند. با درهای قفل شده و داخل هر کدام بیش از پنج یا شش آب‌خوری و دان‌خوری وجود داشت. در سمت شرقی کبوترهایی با جثه‌ی بزرگ‌تر و رنگ سبز بود که نشانه‌گذاری شده بودند برای شناسایی صاحب‌شان و همچنین برای آنکه با سایر کبوتران بام‌های دیگر ادغام نشوند. در سمت غربی گنجه‌های کمتری بود که کبوترهایی با جثه کوچک‌تر و به اصطلاح جوجه در آن قرار داشتند و مشخص بود هنوز زمان تربیت و «جلد کردن‌شان» فرا نرسیده‌است.

از امیر پرسیدم چند وقت که کبوتر دارد و کبوترباز شده است:

«والا پدر مرحومم از به‌نام‌های این کار بود تا اونجام که یادم میاد سماور خونه ما از ۶ صبح روشن بود و مهمون‌دار بودیم، خیلی از آقایونی هم که میومدن، کفترباز بودن و با مرحوم پدرم مشورت می‌کردن، خیلی‌ها رو می‌شناسم که این کار توشون

ارثیه، انگار که تو خونه‌شون رفته باشه. من هم از وقتی یادم میاد با این عشق و این کار عجیب شدم، لذت می‌برم همیشه تو پشت بوم مخصوصاً عید به بعد زیر پشه‌بند می‌خوابیدیم و صدای بغبغوی این کفترا تو گوشم بود تا شب. آروم آروم این کار این عشق توی من به وجود اومد و منم ادامه دادم. نگاهشون کن هر کدوم یه رنگ، هر کدوم یجوری قشنگن از دیدنشون حظ می‌کنم».

هنوز نمی‌دانستم چه فرایندی سبب می‌شود تا بگویم فردی کبوتر باز است. پس اینطور ادامه دادم که چه می‌کنید که کبوتر باز خطاب می‌شوید:

«کفتر بازا که همه یکی نیستن، ۳ شاخه‌ان: بلند پرواز^۲، مسافتی^۳، زینتی^۴. من بلند پرواز دارم که عمودی می‌پرن، حالا بعضیا برا گرو^۵ این کار رو می‌کنن، بعضی هام برا دل خودشون، من قبلا گرو می‌بستم ولی الان دیگه نه، فقط لذت می‌برم. ولی کلا بخوام بگم، وقتی کفتر تخم می‌ذاره ۲۱ روز طول می‌کشه تا دراد. از اون ورم ۴۰ روز طول می‌کشه تا دون خور شه بعد دیگه جلدش^۶ می‌کنی و شروع می‌کنی هر روز باهاش کار کردن، کتاشون باید قوی شه و یک آمادگی پیدا کنن تا ۵ ماه ۶ ماه که قلمی^۷ شده باشه، نوجوون که شد می‌پرونیش هر چی بلندتر بره و بیش تر تو آسمون باشه یعنی کفتر خوبیه».

لابه لای پاسخ‌هایش مکث می‌کرد، نگاهی به داخل گنجه‌هایش می‌انداخت و کبوترهایش را واری می‌کرد. بال‌هایشان را باز می‌کرد و می‌بست؛ شیفتگی را می‌شد از نحوه‌ی گرفتن کبوتر در دستانش فهمید. جستی زد و یکی از آنها را بیرون آورد و گفت:

« این بدرنگ^۸ رو می‌بینی، این پدر نود درصد این بدرنگای توی گنج‌ه اس. ۱۲ سالشه. می‌دونی که، کفتر تا ۱۵ سال عمر می‌کنه، فکر نکنی پیره دیگه نمی‌پره! سال ۸۴ من یه کفتر داشتم ۱۴ سالش بود، پیر پیر شده بود، پراش رو کشیدم کبک‌اش کردم برا گرو، روزی که پروندمش آقایون به نامم حضور داشتن، ۶ ساعت تو آسمون موند، یکی دو تا از همون نژاد رو الان دارم اینجا».

آرام به گوشه‌ای رفت که تمام وسایل مورد نیاز برای ماندن تا ساعت‌های طولانی یا حتی روز و شب در پشت بام مهیا بود. برای من جای ریخت، رادیو اش را روشن کرد. از آنجایی از قبل می‌دانست مشغول جمع‌آوری داده پیرامون کبوتربازی هستم، از روند کار و همکاری‌ها پرسید، توضیح که می‌دادم یا گه‌گاه سرش به آسمان بود یا گنج‌هایش را چک می‌کرد. می‌دانستم که اگر می‌خواستم شاهد انداختن نقش کبوترها در آسمان باشم باید صبح زود می‌آمدم و در نتیجه فرصت سوزی کرده بودم؛ حرف‌ها و گزارش کارم که تمام شد رو به من کرد و گفت:

« این کار، این عشق، مثل مینیاتور می‌مونه. مثل نقاشی. اصلاً حفظ کردن خود این نژادها همینجوری که هستن هنره، آره واقعا هنره، کاری ندارم که خلیا از ترس انگایی^۹ که بهشون مردم می‌زنن می‌ترسن بگن کفتر بازیم. ولی من می‌گم. الانم که بعضی از آقایون سه هزار تا هفت هزار تا کفتر دارن، این دیگه کفترداریه، نه کفتر بازی. کسی که این تعداد کفتر داره اصلاً نمی‌تونه دونه دونه مثل بچه اش روشون تمرکز کنه، اینا فقط زیاد دارن که بتونن شانس شون رو تو مسابقه بیرن بالا، همین. حالاها حالاها مونده تا کسی مثل امثال محمود آهنگر^۹ پیدا شه، متخصصی بود اصلاً، صاحب سبک بود. خدا رحمتش کنه. کسی که کفتر بازه، شب و روز نداره، نه راحت مسافرت می‌ره، مسافرت چیه تا سر کوچه هم میره دلش جای دیگه‌اس. به خاطر همینه بیشتر کفتربازا دستشون به دهنشون می‌رسه، دیگه وقت به کار کردن نمی‌رسه. ولی پسر من خواست بیاد تو این وادی و یکم دیدم جذبش شده نداشتم

ادامه بده. بعدم دنگ و فنگش زیاده، می دونی که یک دوره اصلا بگیر و ببند بود. نمی داشتن کمیته ای ها، کفتر بیرونیم داستان قلعه مرغی رو که می دونی؟! کلی کفتر گردن شیکوندن!»

منتظر بودم ادامه دهد که تلفن اش زنگ خورد. باید به مراسم ختم می رسید. از من عذرخواهی کرد، شانه هایم را بوسید و بدرقه ام کرد. کبوتر باز یا عشق باز به تعبیری نقاش آسمان است. او در حین حال که میان اجتماع کوچکی معتبر است، اما در جامعه ای با ته نشست های باورهای مرسوم مطرود است. تصویری که آنان را لات و لوت، خلافتکار و ... می پندارد. آنچنان که این تصور در قالب سریال ها و فیلم ها نیز بازنمایی می شود. خانه های قدیمی به اصطلاح کلنگی آپارتمان شده اند. دیگر کسی در حوض خانه اش حمام نمی کند که کبوتر بازی، بخواهد هیزی^{۱۰} کند. سرش در لاک خودش است و در میان هیاهوی این شهر که خرده فرهنگ ها^{۱۱} را مدام به حاشیه می راند سعی می کند زنده بماند، نه آنچنان نزدیک است که چون متن بخوانیم اش، نه آن چنان دور از این بستر که برای مان غیر قابل فهم باشد، اما برایمان غریبه^{۱۲} می ماند. حق این را دارد تا بی آنکه حقی از همسایگان و دیگران سلب کند، آسمان را برای ساعتی تسخیر کند. شاید این بار در عبور از کوچه پس کوچه ها بخت یارمان باشد و شاهد نقاشی کبوتر باز بر پهنه ی آسمان همیشه خاکستری این شهر باشیم.

پانوشته‌ها:

۱- کبوتر بازی یکی از بازی‌های سنتی است که غالباً توسط مردان (برخی زنان نیز حضور دارند) انجام می‌شود که در تقریباً بخش‌های عمده‌ای از ایران نیز رواج دارد و به دو شکل یعنی رقابت بازیکنان به وسیله کبوتران در حین پرواز و شرط‌بندی بین صاحبان کبوتر انجام می‌شود.

۲- بلندپرواز به شیوه‌ای از کبوتربازی اشاره دارد که کبوترهای انتخاب شده به لحاظ نژاد و تربیت برای پرواز در مدت زمان طولانی‌تر در آسمان و به شکل عمودی پرورش می‌یابند.

۳- مسافتی به شیوه‌ای از کبوتربازی اشاره دارد که کبوترهای انتخاب شده به لحاظ نژاد و تربیت برای پرواز به صورت افقی برای رفت به یک مقصد و بازگشت مجدد به مبدأ پرورش می‌یابند.

۴- زینتی به شیوه‌ای از کبوتر بازی اشاره دارد که کبوترهای انتخاب شده به لحاظ نژاد و حفظ آن و جنبه‌ی زیبایی‌ارزش‌گذاری و نگه‌داری می‌شوند.

۵- گرو: شرط‌بندی

۶- جلد کردن فرآیند نگه داشتن کبوتر و عادت دادن آن به بام کبوترباز است که یا از طریق چیدن بال‌های کبوتر و یا از طریق جاذبه‌ی کبوتران ماده انجام می‌شود.

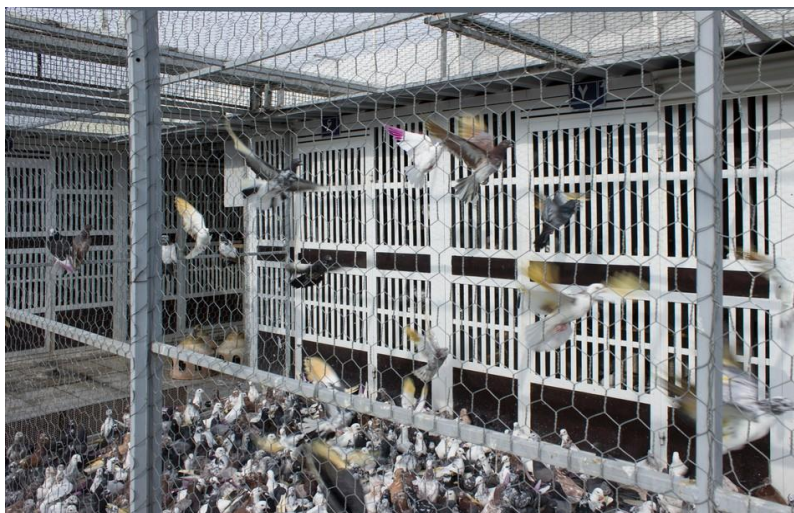
۷- قلم کردن: به کشیدن شاه‌پرهای کبوتر توسط کبوترباز و قیچی کردن آن می‌گویند.

۸- نوعی کبوتر

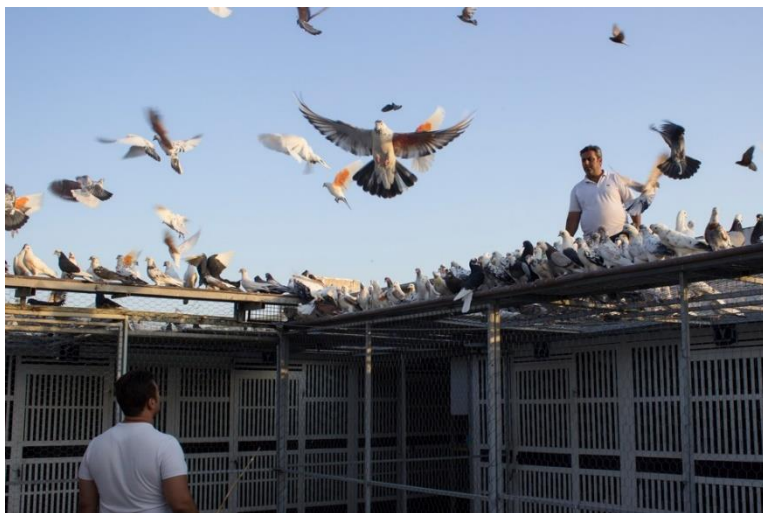
۹- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به کتاب: گوشه‌گیر، علاءالدین، <<کشا>> یا نبرد کبوتر باز، چاپ اول، تهران انجمن ایرانشناسی فرانسه با همکاری انتشارات معین، ۱۳۷۷.

۱۰- هیز: آنکه پیوسته دنبال جنس مخالف است، هرزه و چشم‌چران: نه عقده‌ای است نه هیز و نه هیچ چیز دیگر.

γ













۱۳





١٥



16





۱۷





